



خشایار شا بزرگ

سازندگان پاسارگاد (مقبره کوروش بزرگ) که بودند ؟

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۷ آبان ۱۳۹۹ ۸۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

سازندگان پاسارگاد سازندگان پاسارگاد از گواهی‌هایی که مورخان یونانی و رومی بر جای گذارده‌اند، مشخص است که (پاسارگاد را بیشتر ساخته و پرداخته کوروش بزرگ) میدانسته‌اند. این نظریه به چند دلیل دیگر استوارتر می‌شود. اول؛ آرامگاه کوروش بزرگ که ساخته خود او بود، چنان ارتباطی از نظر طراحی نقشه و کاربرد نمانداری در میان باغ بزرگ پاسارگاد با کاخ‌های دروازه، اختصاصی و بار نشان می‌دهد که مشخص می‌شود طراح همه یکی بوده و آن کاخ‌ها هم نتیجه سلیقه کوروش بزرگ بوده‌اند. دوم کتیبه سه زبانه عیلامی، پارسی باستان و اک

سازندگان پاسارگاد و آرامگاه کوروش بزرگ چه کسانی بودند؟

پاسارگاد را نباید تنها نام دیگری برای آرامگاه کوروش بزرگ دانست. این محوطه، نخستین پایتخت دودمانی هخامنشیان و مجموعه‌ای از کاخ‌ها، باغ‌های شاهی، بناهای آیینی و سازه‌های یادمانی بود که آرامگاه کوروش یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن به شمار می‌رود. بنیان‌گذاری این مجموعه به کوروش بزرگ نسبت داده می‌شود، اما ساخت آن حاصل فعالیت گروه‌های گوناگون معماران و صنعتگران در چارچوب یک برنامه شاهی بوده است. یونسکو نیز پاسارگاد را نمونه‌ای برجسته از مشارکت مردمان گوناگون شاهنشاهی در شکل‌گیری معماری آغازین هخامنشی معرفی می‌کند. (UNESCO World Heritage Centre)

برای پاسخ به پرسش «سازندگان پاسارگاد چه کسانی بودند؟» باید میان بنیان‌گذار و سفارش‌دهنده مجموعه، معماران و استادکاران سازنده و پادشاهانی که بعدها بخش‌هایی از آن را تکمیل کردند تفاوت گذاشت. نسبت‌دادن پاسارگاد به کوروش، به معنای آن نیست که او شخصاً نقشه تمامی بناها را ترسیم کرده یا همه ساختمان‌ها در زمان زندگی او به پایان رسیده‌اند.

پاسارگاد چه زمانی و به فرمان چه کسی ساخته شد؟

جمع‌بندی شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد که بخش عمده ساخت‌وسازهای یادمانی پاسارگاد در نیمه دوم سده ششم پیش از میلاد و در روزگار کوروش بزرگ انجام شده است. دیوید استروناخ و هیلاری گاپنیک، دوره اصلی این فعالیت‌ها را تقریباً میان سال‌های ۵۴۶ تا ۵۳۰ پیش از میلاد قرار می‌دهند. این بازه، تاریخ تقریبی مهم‌ترین عملیات ساختمانی است، نه زمانی قطعی برای آغاز و پایان تکتک بناها. (Iranica Online)

نوشته‌های باستانی نیز پیوند پاسارگاد با کوروش بزرگ را تأیید می‌کنند. استرابون، جغرافی‌دان یونانی دوره رومی، گزارش می‌دهد که کوروش این مکان را به سبب پیروزی بر آستیاگ، پادشاه ماد، گرامی می‌داشت و در آن شهری بنیاد نهاد و کاخی به یاد آن پیروزی ساخت. این روایت، شاهی مهم درباره برداشت نویسندگان باستان از بنیان‌گذار پاسارگاد است؛ هرچند به‌تنهایی نمی‌تواند زمان دقیق ساخت بناها یا تمامی جزئیات انگیزه انتخاب محل را روشن کند. (Penelope)

آریان نیز در کتاب آنا‌باسیس اسکندر، با تکیه بر گزارش آریستوبولوس، از همراهان اسکندر، آرامگاه کوروش را در باغی شاهی در پاسارگاد توصیف می‌کند. در روایت او، آرامگاه بنایی سنگی با اتاقی مسقف و ورودی باریک است که پیرامونش درختان، آب روان و سبزه‌زار وجود داشته است. او همچنین از غارت آرامگاه و فرمان اسکندر برای مرمت آن سخن می‌گوید. این گزارش، شاهی بر شناخته‌بودن آرامگاه کوروش در روزگار اسکندر است؛ مرمت یادشده را نیز باید از ساخت نخستین بنا جدا دانست. (Livius)

معماران و استادکاران پاسارگاد از کجا آمده بودند؟

پاسارگاد محصول فعالیت یک کارگاه ساده یا یک گروه کاملاً یکدست نبود. پژوهش‌های معماری، به‌ویژه بررسی فنون سنگ‌تراشی، از حضور یا تأثیر مستقیم استادکاران لودی‌ه‌ای و ایونیایی حکایت دارند. لودی‌ه و ایونی‌ه در غرب آسیای صغیر قرار داشتند و گسترش فرمانروایی کوروش به این نواحی، زمینه انتقال مهارت‌های معماری و صنعتگری آنان به مرکز حکومت پارسیان را فراهم کرد. رمی بوشارلا در بررسی هنر یونانی در ایران، نقش صنعتگران ایونیایی را در سنگ‌کاری و شماری از جزئیات معماری پاسارگاد برجسته می‌داند. (Iranica Online)

این ارتباط تنها از شباهت ظاهری ساختمان‌ها استنباط نمی‌شود. شیوه پرداخت قطعات سنگ، برخی شکل‌های پایه‌ستون‌ها، قالب‌بندی‌های تزیینی و جزئیات اجرای بناها از جمله شواهدی هستند که پژوهشگران برای شناسایی انتقال فنون ساختمانی بررسی کرده‌اند. بنابراین، تعبیر دقیق‌تر آن است که پاسارگاد پروژه‌ای شاهی در ایران بود که از دانش و مهارت صنعتگران سرزمین‌های مختلف بهره می‌گرفت؛ نه بنایی که بتوان تمام اجزای آن را به یک سنت هنری محدود کرد. (Iranica Online)

«نشانه‌های سنگ‌تراشان» نیز در شناخت شیوه سازمان‌دهی کار اهمیت دارند. این علامت‌ها می‌توانستند برای ثبت کار انجام‌شده یا تشخیص قطعات به کار روند، اما نباید هر نشانه را به‌تنهایی امضای قومی یک سنگ‌تراش دانست. ولفرام کلایس یادآور می‌شود که بسیاری از شکل‌های ساده این علامت‌ها در دوره‌های مختلف تکرار شده‌اند و تفاوت میان کارگاه‌ها را نمی‌توان صرفاً از روی آن‌ها تعیین کرد. ارزش این نشانه‌ها زمانی بیشتر می‌شود که همراه با فنون تراش، مصالح و دیگر شواهد معماری مطالعه شوند. (Iranica Online)

معماری آرامگاه کوروش چه چیزی درباره سازندگان آن می‌گوید؟

آرامگاه کوروش از اتاقی سنگی با سقف شیب‌دار تشکیل شده که بر سکویی شش‌پله‌ای قرار گرفته است. ارتفاع کلی بنا حدود یازده متر است و سنگ‌های بزرگ آن با دقت فراوان تراش خورده و کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. استفاده از بست‌های فلزی دم‌چلچله‌ای و شیوه آماده‌سازی سطح اتصال سنگ‌ها، از ویژگی‌هایی است که این بنا را به دیگر ساختمان‌های آغازین پاسارگاد پیوند می‌دهد. (Iranica Online)

بررسی جزئیات معماری، زمان ساخت آرامگاه را به حدود ۵۴۰ تا ۵۳۰ پیش از میلاد نزدیک می‌کند. از این رو، آغاز ساخت آن در زمان زندگی کوروش با شواهد موجود سازگار است؛ بااین‌حال، این نتیجه با ادعای «طراحی شخصی آرامگاه به دست کوروش» یکسان نیست. درباره سرچشمه‌های معماری بنا نیز دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است: برخی عناصر آن با سنت‌های آناتولی و برخی با معماری بین‌النهرین و ایلام مقایسه شده‌اند، اما نمونه‌ای واحد که بتوان کل بنا را رونوشتی از آن دانست، شناخته نشده است. (Iranica Online)

شناخت این ساختمان به‌عنوان آرامگاه کوروش بر هم‌خوانی شواهد معماری و توصیف‌های باستانی استوار است. نوشته‌ای که آریان و دیگر نویسندگان از وجود آن بر آرامگاه خبر داده‌اند، امروزه بر بنا باقی نمانده است؛ بنابراین نباید

آن متن گزارش شده را با کتیبه‌های موجود در بخش کاخ‌های پاسارگاد اشتباه گرفت. (Iranica Online)

کتیبه‌های پاسارگاد چه می‌گویند؟

از مهم‌ترین شواهد پیوند مجموعه با کوروش، کتیبه‌هایی هستند که نام او را بر خود دارند. مشهورترین متن کوتاه، که در پژوهش‌ها با شناسه «CMA» شناخته می‌شود، به سه زبان پارسی باستان، عیلامی و اکدی نوشته شده و مضمون آن چنین است: «من کوروش، شاه، هخامنشی‌ام.» باین‌حال، تاریخ نگارش این کتیبه‌ها مسئله‌ای جدا از هویت پادشاه نام‌برده در آن‌هاست. (Iranica Online)

دیوید استروناخ در پژوهش خود درباره فعالیت‌های داریوش در پاسارگاد، از این دیدگاه دفاع می‌کند که کتیبه‌های مورد بحث، به نام کوروش اما در دوره داریوش ایجاد شده‌اند. در این تفسیر، تأکید بر هخامنشی‌بودن کوروش، بخشی از کوشش داریوش برای برجسته‌کردن پیوند دودمانی و سیاسی خود با بنیان‌گذار شاهنشاهی بوده است. بنابراین، وجود نام کوروش بر یک کتیبه لزوماً ثابت نمی‌کند که همان متن در زمان زندگی او حک شده است. (Persee)

این موضوع انتساب بنیان‌گذاری پاسارگاد به کوروش را نفی نمی‌کند؛ بلکه نشان می‌دهد تاریخ مجموعه چندمرحله‌ای بوده است. برای نمونه، شواهد کاخ اختصاصی، معروف به کاخ «P»، حاکی از آغاز ساخت در دوره کوروش، توقف کار و تکمیل آن در زمان داریوش است. برخی نقش‌برجسته‌ها و نوشته‌ها نیز به مرحله متأخرتر تعلق دارند. ازاین‌رو، باید میان تاریخ آغاز بنا، زمان تکمیل ساختمان و تاریخ افزودن تزئینات و کتیبه‌ها تمایز گذاشت. (Iranica Online)

باغ‌ها و هماهنگی مجموعه؛ آیا همه بناها یک طراح داشتند؟

یکی از ویژگی‌های برجسته پاسارگاد، پیوند معماری با باغ است. کاخ‌ها و کوشک‌ها در میان فضاهای سبز هندسی و آبراهه‌های سنگی قرار داشتند و باغ صرفاً فضای خالی میان ساختمان‌ها نبود؛ بلکه خود بخشی از طراحی مجموعه محسوب می‌شد. بقایای آبراهه‌های تراش‌خورده و آرایش فضاها نشان می‌دهد که هدایت آب، شکل باغ و جایگاه ساختمان‌ها با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. (Iranica Online)

این سازمان‌دهی به پاسارگاد جایگاهی مهم در تاریخ باغ ایرانی بخشیده است. یونسکو الگوی باغ چهاربخشی مجموعه را از نمونه‌های بنیادین در تحول طراحی باغ و معماری غرب آسیا می‌داند. بدین ترتیب، سازندگان پاسارگاد تنها بناهایی جداگانه برپا نکردند، بلکه کوشیدند ساختمان، آب و فضای سبز را در ترکیبی هماهنگ سامان دهند. (UNESCO World Heritage Centre)

باین‌همه، هماهنگی مجموعه به‌تنهایی اثبات نمی‌کند که تمام بناها را یک معمار طراحی کرده است. چنین وحدتی می‌تواند حاصل برنامه‌ای مشترک، نظارت دربار یا همکاری چند گروه ساختمانی باشد. همچنین از شباهت‌های

معماری نمی‌توان میزان دخالت شخصی کوروش در تعیین تک‌تک جزئیات را نتیجه گرفت. آنچه با اطمینان بیشتری می‌توان گفت، وجود یک طرح شاهی و ارتباط آگاهانه میان بخش‌های اصلی مجموعه است. (Iranica Online)

پاسارگاد؛ محل شکل‌گیری زبان هنری هخامنشی

تنوع فرهنگی در پاسارگاد تنها در فنون ساختمانی دیده نمی‌شود؛ نقش برجسته‌ها نیز آن را آشکار می‌کنند. برای نمونه، پیکره چهاربال دروازه پاسارگاد، پوششی مرتبط با سنت عیلامی و تاجی با عناصر سوری - مصری دارد. پیتروگلیف‌ها این نقش را در ارتباط با پیکره‌های محافظ بنا بررسی می‌کند. به همین دلیل، معرفی بی‌توضیح آن به عنوان تصویری قطعی و واقع‌گرایانه از چهره کوروش، از شواهد موجود فراتر می‌رود. (Iranica Online)

در کاخ‌های پاسارگاد، عناصر برگرفته از سنت‌های گوناگون در ترکیب‌هایی تازه ظاهر شده‌اند. مقایسه ساختمان‌ها و نقش‌ها با تخت جمشید نشان می‌دهد که بسیاری از شیوه‌های پاسارگاد به مرحله‌ای پیشین از هنر درباری هخامنشی تعلق دارند. با این حال، تعبیر این تنوع به عنوان «نبود هویت ایرانی» درست نیست. اهمیت پاسارگاد در همین انتخاب و بازآرایی عناصر مختلف برای پاسخ‌گویی به نیازهای یک پایتخت پارسی نهفته است؛ فرایندی که در مجموعه‌های بعدی هخامنشی صورت منسجم‌تری یافت. (Iranica Online)

چرا انتساب پاسارگاد به کوروش جوان پذیرفتنی نیست؟

در اواخر سده نوزدهم، وایسباخ با توجه به عنوان‌های کتیبه‌های محوطه، پیشنهاد کرد که نوشته‌های مورد بحث به کوروش جوان تعلق داشته باشند، نه کوروش بزرگ. کوروش جوان شاهزاده‌ای بود که در سال ۴۰۱ پیش از میلاد درگذشت و به دوره‌ای بسیار متأخرتر تعلق داشت. پژوهش‌های بعدی نشان دادند که پیوند تاریخی استواری میان او و بنیان‌گذاری پاسارگاد وجود ندارد. (Iranica Online)

مسئله‌ای که زمانی از سادگی عنوان «شاه» در کتیبه‌ها پدید آمده بود، با بررسی احتمال نگارش آن‌ها در دوره داریوش توضیح متفاوتی پیدا کرد. در مقابل، فنون ساختمان‌سازی و ویژگی‌های هنری بناهای اصلی، با تاریخ‌گذاری آن‌ها به سده ششم پیش از میلاد سازگارند. بنابراین، ابهام در زمان نگارش کتیبه‌ها دلیلی برای انتقال تاریخ ساخت مجموعه به روزگار کوروش جوان نیست. (Iranica Online)

نتیجه‌گیری

کوروش بزرگ بنیان‌گذار و سفارش‌دهنده اصلی پاسارگاد بود، اما ساخت مجموعه حاصل همکاری معماران و استادکارانی با مهارت‌ها و سنت‌های گوناگون بود. برخی بخش‌ها نیز پس از او، به‌ویژه در دوره داریوش، تکمیل یا تزئین شدند. ارزش تاریخی پاسارگاد تنها در انتساب آن به یک پادشاه نیست؛ این مجموعه نشان می‌دهد که چگونه یک برنامه شاهی در ایران توانست دانش‌های ساختمانی و هنری متفاوت را در قالبی تازه گرد آورد. (UNESCO)

سرچشمه‌های پژوهش

1. مرکز میراث جهانی یونسکو. «پاسارگاد» (Pasargadae)، پرونده میراث جهانی شماره ۱۱۰۶؛ معرفی محوطه و شرح ارزش برجسته جهانی آن. (UNESCO World Heritage Centre)
2. استروناخ، دیوید؛ و گاپنیک، هیلاری. «پاسارگاد» (Pasargadae)، دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۹. (Iranica Online)
3. زورناتزی، آنتیگونی. «کوروش، بخش پنجم: آرامگاه کوروش» (Cyrus v. The Tomb of Cyrus)، دانشنامه ایرانیکا، جلد ششم، دفتر پنجم، ۱۹۹۳، صص. ۵۲۲-۵۲۴. (Iranica Online)
4. بوشارلا، رمی. «یونان، بخش هفتم: هنر و معماری یونانی در ایران» (Greece vii. Greek Art and Architecture in Iran)، دانشنامه ایرانیکا، جلد یازدهم، دفتر سوم، ۲۰۰۲، صص. ۳۲۹-۳۳۳. (Iranica Online)
5. کلایس، ولفرام. «مصالح و فنون ساختمانی در معماری ایران» (Construction Materials and Techniques in Persian Architecture)، دانشنامه ایرانیکا، جلد ششم، دفتر دوم، ۱۹۹۲، صص. ۲۱۷-۲۱۹. (Iranica Online)
6. استروناخ، دیوید. «داریوش در پاسارگاد: منبعی نادیده گرفته شده برای تاریخ آغازین ایران» (Darius at Pasargadae: A Neglected Source for the History of Early Persia)، مجله Topoi. Orient-Occident، ۱۹۹۷، صص. ۳۵۱-۳۶۳. (Persee)
7. فکور، مهرداد. «باغ، بخش پنجم: دوره هخامنشی» (Garden v. Achaemenid Period)، دانشنامه ایرانیکا، جلد دهم، دفتر سوم، ۲۰۰۰، صص. ۲۹۷-۲۹۸. (Iranica Online)
8. کالمایر، پیت. «هنر در ایران، بخش سوم: هنر و معماری هخامنشی» (Art in Iran iii. Achaemenid Art and Architecture)، دانشنامه ایرانیکا، جلد دوم، دفتر ششم، ۱۹۸۶، صص. ۵۶۹-۵۸۰. (Iranica Online)
9. استروناخ، دیوید. «ارنست هرتسفلد، بخش دوم: هرتسفلد و پاسارگاد» (Herzfeld, Ernst ii. Herzfeld and Pasargadae)، دانشنامه ایرانیکا، جلد دوازدهم، دفتر سوم، ۲۰۰۳، صص. ۲۹۳-۲۹۶. (Iranica Online)
10. استرابون. جغرافیا، کتاب پانزدهم، فصل سوم، بندهای ۷ و ۸؛ متن ترجمه انگلیسی در مجموعه «لاکوس کورتیوس»، دانشگاه شیکاگو. (Penelope)
11. آریان. آناباسیس اسکندر، کتاب ششم، فصل ۲۹، به ویژه بندهای ۴ تا ۱۰؛ ترجمه انگلیسی آبری د سلینکورت، بازنشر در پایگاه «لیویوس». (Livius)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سازندگان پاسارگاد (مقبره کوروش بزرگ) که بودند؟»، پارسیان دژ، ۱۳۹۹.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1164/pdf/سازندگان-پاسارگاد.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۴ شهریور ۱۴۰۵